خبر

آمار بیکاری ساحل نشینان در گلستان بالاست

دبیر مجمع نمایندگان گلستان گفت: نرخ بیکاری مناطق حاشیه خزر بالاست و مردم ساحل نشین گلستان در تنگنا قرار دارند. به گزارش مهر، رامین نور قلی پور با یادآوری اینکه اشتغال مهم ترین موضوعی است که دولت را درگیر کرده، افزود: دولت تدبیر و امید بیکاری ۱۱۸ درصدی استان را کاهش داده و این روند کاهشی ادامه دارد. نماینده مردم شهرستان های غرب استان در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: نرخ بیکاری برخی از مناطق استان پایین تر از نرخ متوسط کشور و حتی میانگین گلستان است. وی اضافه کرد: بیکاری در مناطق حاشیه خزر در استان بالاست و مردم ساحل نشین درگیر تنگناهای اقتصادی هستند. نورقلی پور تصریح کرد: در این حوزه سواحل شرقی خزر در گلستان تنگناهای بیشتری دارند و معیشت عمده ساکنان ساحل به ویژه صیادان به دریا وابسته است.وی متذکر شد: با وجود تنگناها، کاهش ذخایر آبزیان خزر و دیدگاه ما که بر حفظ ذخایر دریا تاکید دارد توسعه مشاغل خرد و کوچک می تواند حرکتی مثبت در جهت حل معضل بیکاری و معیشتی باشد. وی متذکر شد: حوزه ict و تعاون ظرفیت های بسیاری در زمینه ایجاد کسب و کارهای خرد و اشتغال پایدار در استان دارند.

* * *

۱۵ تفاهم‌نامه توسعه کسب‌وکار در گلستان انعقاد شد

با حضور دو وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ۱۵ تفاهم‌نامه توسعه کسب‌وکار و اشتغال پایدار در حوزه ICT گلستان منعقد شد. به گزارش مهر، علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و محمود واعظی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات عصر شنبه با شرکت در جلسه شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان گلستان، ۱۵ تفاهم‌نامه را در قالب اجرای طرح تکاپو به امضاء رساندند. با امضاء این تفاهم‌نامه‌ها، ۴۳ پروژه با سرمایه‌گذاری ۱۸۰ میلیارد تومان در حوزه کشاورزی، گردشگری، سلامت و فرهنگ و آموزش به اجرا درخواهند آمد و برای چهار هزار و ۲۱۰ نفر به‌طور مستقیم اشتغال ایجاد می‌شود.

* * *

جوانان به اشتغال دولتی فکر نکنند

نماینده مردم شرق گلستان در مجلس شورای اسلامی با بیان این که جوانان به اشتغال دولتی فکر نکنند، گفت: ایجاد اشتغال دولتی برای تمام جوانان کشور امکان پذیر نیست. به گزارش مهر، شهرام کوسه غراوی اظهار کرد: با توجه به اینکه ایجاد اشتغال دولتی برای تمام جوانان میسر نیست، بخش غیر دولتی باید وارد عمل شود. وی افزود: باید رویکرد جدیدی اتخاذ کنیم تا جوانان با حضور خود موجب ایجاد اشتغال شوند و امیدواریم امسال شاهد اتفاقات خوبی در حوزه اشتغال باشیم. کوسه غراوی با بیان اینکه در حوزه اجرایی عملکرد موفقی نداشتیم، خاطرنشان کرد: اجرایی بودن و عملیاتی بودن بسیار مهم است و مجلس می خواهد اتفاقات خوبی در حوزه اشتغال رقم بزنند.وی ادامه داد: باید اقدامات ما به گونه ای باشد تا مردم از آن سود ببرند و موجب خوشحالی آن ها شود.

فریب جوانان بیکار در استان گستان به بهانه کاریابی و مدلینگ

مسئول پلیس فتا گلستان درباره فریب خانم‌ها و آقایان جوان و بیکار به بهانه کاریابی و مدلینگ در استان گلستان هشدار داد. به گزارش تسنیم، سروان وحید صاحبکاران اظهار داشت: به تازگی برخی افراد با راه‌اندازی کانالها و گروه‌های کاریابی در شبکه‌های اجتماعی اقدام به تبلیغ با عناوینی مانند کاریابی برای دختران و پسران جوان یا بکارگیری به عنوان مدل با وعده دروغین پرداخت حقوق‌های میلیونی می کنند که این موضوع غیرواقعی و استفاده از نیازها و احساسات آنان محسوب می‌شود.وی افزود: در این شیوه خانم‌های جوان را فریب داده و از آنان خواسته می‌شود تا جهت تکمیل فرایند ثبت‌نام و بکارگیری ضمن ارسال مدارک هویتی و تصاویر خود مبالغی را نیز پرداخت کنند که حتی در برخی از موارد این خانم‌ها را به محل‌های نامشخص دعوت می کنند که می‌تواند خطرات فراوانی برای آنان به همراه داشته باشد. مسئول پلیس فتا گلستان از خانواده‌ها و به خصوص خانم‌های جوان که بیکار هستند خواست به هیچ عنوان به وعده‌های دروغین مطرح شده در فضای مجازی که منبع معتبر ندارند اعتنا نکرده و تنها به موسسات کاریابی مجاز و معتبر مراجعه کرده و اطلاعات هویتی و تصاویر خود را به راحتی در اختیار افراد غیرمجاز قرار ندهند. وی گفت: هرگونه فعالیت در زمینه مشاوره شغلی و ارائه خدمات کاریابی صرفا با دریافت مجوز امکان‌پذیر خواهد بود. سروان صاحبکاران اظهار داشت: هم استانی ها در صورت ضرر و زیان از موسسات و افرادی که به صورت غیرمجاز وعده کاریابی می‌دهند می توانند با مراجعه به دادسرای عمومی و انقلاب مرکز استان یا شهرستان محل سکونت شکایت خود را مطرح کنند و کارشناسان پلیس فتا از طریق شماره تلفن ۲۱۸۲۲۹۶۷ آماده پاسخگویی به ابهامات و سؤالات شهروندان هستند.

روستاهای گلستان اینترنتی می شوند

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات کشور گفت: تا پایان دولت یازدهم حدود ۹۵ درصد از روستاهای بالای ۲۰ خانوار از اینترنت بهره مند می شوند.به گزارش مهر، محمود واعظی در آئین افتتاح متمرکز اینترنت پرسرعت در ٦٦٩ روستای گلستان اظهار کرد: تمام تلاش ما این است همه مردم کشور از امکانات مساوی برخوردار شوند چرا که امکانات دولتی فقط مربوط به پایتخت نشین ها و مراکز استان ها نیست بلکه باید در اختیار تمام مردم حتی در مناطق دور افتاده و مناطق مرزی قرار گیرد. وی افزود: رئیس جمهور به اعضای کابینه خود اعلام کردند که آنچه از بودجه دارید برای مناطق محروم و روستاهای کشور صرف کنید و در این دولت با تمام محدودیت هایی که وجود داشت امکانات را در اختیار روستاها گذاشتیم. واعظی با اشاره به اینکه قبل از فعالیت دولت فقط ۹ هزار روستای کشور از نعمت گاز برخوردار بودند، اظهار کرد: از ابتدای دولت تدبیر و امید ١٤ هزار روستا به این تعداد از روستاها اضافه شد. وی تصریح کرد: رساندن اینترنت به روستاها جزو برنامه های ما محسوب می شود چرا که معتقدیم بهترین فرزندان ما کسانی هستند که در روستاها به دنیا می آیند و اکنون کسانی هستند که منشا خدمات هستند. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات کشور گفت: در دنیای امروز همه فعالیت ها در بستر اینترنت به مردم داده می شود لذا با این نیت بیش از ۵۵۰ میلیارد تومان سرمایه گذاری کردیم. وی افزود: در طول سه سال گذشته اینترنت را در اختیار ۲۷ هزار روستا گذاشته و بنا داریم تا پایان این دولت حدود ۹۵ درصد از روستا های بالای ۲۰ خانوار را از اینترنت بهره مند کنیم.

اینترنت پرسرعت در ٦٦٩ روستای گلستان راه اندازی شد

آئین متمرکز راه اندازی اینترنت پرسرعت در ٦٦٩ روستای طرح uso استان گلستان با حضور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در روستای محمد آباد گرگان برگزار شد. مشاور وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات کشور اظهار کرد: یکی از اهدافی که در دولت تدبیر و امید ترسیم شده رساندن خدمات موجود در شهرها به روستاها است.محمود خسروی، افزود: امروز با توجه به اهمیت شبکه های اطلاع رسانی پوشش اینترنت در روستاها به عنوان یک خدمت بزرگ به شمار می آید.وی افزود: با برنامه ریزی های انجام شده امروز در روستای محمد آباد گرگان اینترنت ٦٦٩ روستا به طور همزمان افتتاح شد.خسروی اظهار کرد: مردم با دسترسی به اینترنت در روستاهای خود برای خدمات دیگر به شهرها سفر نخواهند کرد و این خدمات در روستاهای خود در اختیار خواهند داشت.

اجرای طرح تکاپو در همه استان ها

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات از ایجاد ۸۵ هزار شغل در گلستان توسط دولت یازدهم خبرداد. محمود واعظی اظهار کرد: با توجه به محدودیت هایی که در کشور داریم و بخش عمده درآمدها صرف هزینه های جاری می شود، همتی در دولت مجلس و بخش خصوصی برای حل مشکلات اقتصادی دولت به وجود امده است. وی افزود: ایجاد ٥٦ هزار شغل در گلستان در سه سال گذشته کار بزرگی است که حاصل برنامه ها و سیاست های دولت در توسعه مبتنی بر بخش خصوصی است. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ادامه داد: دولت تدبیر و امید تلاش کرد با کوچک و چابک کردن خود با بخش خصوصی رقابت نکند و آرام آرام این سیاست جواب داد.وی تصریح کرد: اعتماد دوباره بانک ها به بخش خصوصی برای رونق تولید زمان بر بود اما در نهایت پاسخ داد.واعظی اضافه کرد: تاکنون ۱۵ هزار میلیارد تومان برای رفع موانع تولید به بنگاه های کوچک و متوسط کشور تسهیلات پرداخت شده و ۲۲ هزار واحد مجدد فعالیت خود را آغاز کرده اند. وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات با تاکید بر اینکه این نهضت برای رونق تولید در کشور ادامه پیدا می کند، اظهار کرد: مسابقه ای برای خدمت به مردم در استان ها به وجود آمده و اینکه هم اکنون گلستان از کسب رتبه هفتم در اقتصاد مقاومتی و رونق تولید در بین ۳۱ استان ناراحت است، بسیار قابل احترام است.وی با تاکید بر اینکه اقتصاد مقاومتی مبنای ساختن کشور است، افزود: مبنای دولت تدبیر و امید بازگو کردن آنچه از دولت قبل به ارث رسید، نبوده است.وی گفت: دولت نمی خواهد به گذشته برگردد بلکه دولت آینده است و با نگاه به آینده برای رفاه بیشتر مردم برنامه ریزی می کند تا معیشت ساماندهی شود.وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ادامه داد: بیکاری انباشته شده هشت سال گذشته باید ساماندهی شود و لازمه آن شکوفایی اقتصادی است.وی متذکر شد: تا زمانی که با دنیا دعوا داریم، تحریم هستیم، بازارهای صادراتی به روی ما بسته است، کالاها را ٤٠ درصد گران تر می خریم و مراودات ما فقط با یکی دو کشور مانند چین است نمی توانیم به شکوفایی برسیم.وی تصریح کرد: ایران باید قدرت انتخاب و ارتباط علمی و ... با همه کشورها داشته باشد و دولت تدبیر و امید این فضا را فراهم کرد.وی خاطرنشان کرد: دستاوردهای این دولت در جهت رفاه مردم بوده و تمرکز بر روی لز بین بردن تورم ٤٠ درصدی داشته است.واعظی از سال ۹۵ به عنوان سال ریل گذاری ایجاد رونق اقتصادی نام برد و اضافه کرد: در سال های گذشته ۷۰۰ هزار شغل ایجاد شد و تورم منفی ٦.٧ به مثبت ٦ رسید و صادرات نفتی به بیش از دو میلیون بشکه رسیده است.وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات همچنین اظهار کرد: همانطور که از رونق افتادن اقتصادی زمان بر است، شکوفایی اقتصادی هم نیاز به زمان دارد و سال ٩٦ و ۹۷ سال بهره بری و شکوفایی فعالیت های انجام شده در سه سال گذشته است.وی افزود: هم اکنون بسیاری از تریبون هایی که باید در خدمت نظام باشد در تخریب دولت و برای بهره بردن یک تفکر دیگر به کار گرفته شده اند.وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ادامه داد: آنچه انجام می شود دستاوردهای دولت به تنهایی نیست بلکه دستاوردهای نظام است و باید بیان شود تا مردم امیدوارتر شوند.وی به اجرای طرح تکاپو اشاره و تصریح کرد: با وجود محدودیت های کشور برای توسعه صنعت ایجاد اشتغال و صادرات باید سرمایه گذاری بررگی انجام شود و به سمت گسترش خدمات برویم.وی خاطرنشان کرد: برای حل معضل اشتغال کشور نیازمند این هستیم سالانه یک میلیون شغل ایجاد کنیم تا به تعادل در اشتغال برسیم.واعظی اضافه کرد: در سال گذشته طرح تکاپو در سه استان به طور پایلوت انجام شد و از ابتدای سال در سه استان دیگر این طرح آغاز شده است.وی بیان کرد: این طرح تا پایان سال در همه استان ها اجرا می شود و زیرساخت های آن فراهم است.وی همچنین از ٤٩٨ میلیارد تومان زیر ساخت در حوزه ict گلستان خبر داد و گفت: زیرساخت های این حوزه در استان بیشتر از نیاز است و می تواند کسب و کار را در بستر شبکه ملی اطلاعات به وجود بیاورد.وی با یاداوری اینکه با امضا تفاهم نامه و ٤٣ پروژه این حوزه بیش از چهار هزار و ۲۰۰ شغل مستقیم ایجاد می شود، افزود: هر شغل مستقیم در حوزه ict دو تا سه شغل عیر مستقیم ایجاد می کند و می توانیم به حل معضل اشتغال استان در این حوزه امید داشته باشیم.

چهره های شاخص هنری گلستان در هفته هنر انقلاب معرفی می شوند

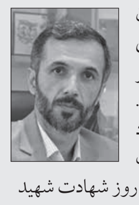

رئیس حوزه هنری استان گلستان گفت: چهره شاخص هنری استان گلستان در هفته هنر انقلاب اسلامی معرفی می‌شوند. به گزارش مهر، نقی محمد نژاد اظهار کرد: شورای عالی فرهنگ عمومی کشور تاریخ ۲۰ فروردین، روز شهادت شهید مرتضی آوینی را روز هنر انقلاب نامید و به پیشنهاد حوزه هنری از تاریخ ۱۹ الی ۲٦ فروردین هفته هنر انقلاب انتخاب و به تصویب رسید.وی افزود: برنامه‌های هفته هنر انقلاب اسلامی با همکاری اداره کل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری گلستان و تعدادی از دستگاه‌های فرهنگی و هنری استان برگزار می‌شود. وی تصریح کرد: اکران فیلم‌های مستند و داستانی، اجرای نمایش، برپایی کارگاه تجسمی، برپایی نمایشگاه آثار تجسمی، برگزاری عصر شعر و خاطره، نقد و تحلیل اثار مکتوب، تجلیل از هنرمندان شاخص انقلاب، بررسی موسیقی انقلاب، غبارروبی و عطرافشانی گلزار شهدا، رونمایی از آثار و تولیدات حوزه هنری، دیدار هنرمندان و پرنسل حوزه هنری با نماینده ولی‌فقیه و استاندار گلستان و... از مهم‌ترین برنامه‌هایی است که از ۱۹ تا ۲٦ فروردین‌ماه در استان گلستان برگزار می‌شود.رئیس حوزه هنری استان گلستان تصریح کرد: افکار و اندیشه‌های سید شهیدان اهل قلم سید مرتضی آوینی همیشه سرمشق هنرمندان متعهد کشور است و روز هنر انقلاب اسلامی فرصت مناسبی است که نسل جوان با اندیشه‌ها و دیدگاه‌های این هنرمند شهید بیشتر آشنا شوند.محمد نژاد اظهار کرد: «هنر انقلاب و سید شهیدان اهل قلم»، «هنر انقلاب، سینما و تئاتر»، «هنر انقلاب و ادبیات»، «هنر انقلاب»، «مقاومت و بیداری اسلامی»، «هنر انقلاب، ایثار و شهادت»، «هنر ولایت و رهبری»، «هنر انقلاب و ادبیات پایداری» از عناوین روزهای هفته هنر انقلاب است

۹۵ درصد برنامه های اقتصاد مقاومتی در گلستان محقق شد

رئیس سازمان برنامه و بودجه گلستان گفت: ۹۵ درصد برنامه های اقتصاد مقاومتی در گلستان محقق شد. به گزارش مهر، حسین پیش قدم در جلسه شورای برنامه ریزی و توسعه گلستان اظهار کرد: برنامه های قرارگاه اقتصاد مقاومتی کشور در گلستان با تحقق ۹۵ درصدی همراه بود که از این لحاظ رتبه هفتم را کسب کردیم. وی با اشاره به عملکرد استان در حوزه اقتصاد مقاومتی، خاطرنشان کرد: ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی استان گلستان ٢٤ جلسه برگزار کرد که با ۱۸۷ مصوبه همراه بود و مابقی مصوبات هم امسال پیگیری خواهد شد.پیش قدم افزود: دبیرخانه اقتصاد مقاومتی استان هم ۲۸ جلسه برگزار کرد که حاصل آن ۸۹ مصوبه بود.وی ادامه داد: کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید ۳٤ جلسه برگزار کرد که هزار و ۱۵۱ واحد صنعتی در گلستان شناسایی شد و ٤٥٥ میلیارد تومان تسهیلات به ۳۹۲ واحد صنعتی پرداخت شد.رئیس سازمان برنامه و بودجه گلستان با اشاره به برگزاری ۳۰ جلسه در شهرستان ها با حضور فرمانداران، گفت: ۲۹ مورد PFS با اعتبار بیش از ۱۲ هزار میلیارد تومان و ایجاد ۱۷ هزار اشتغال در حوزه های صنعت، شیلات، گردشگری، آب و راه، تهیه شد.پیش قدم تصریح کرد: همچنین هشت هزار و ٦۱۰ میلیارد تومان منابع مورد نیاز برای پروژه های استانی و اقتصاد مقاومتی پیش بینی شد.وی ادامه داد: جلسات زیادی با حضور سرمایه گذاران داخلی و خارجی داشتیم و تیم های اقتصادی در جهت برونگرایی به کشورهای ترکمنستان، روسیه، قزاقستان و آذربایجان اعزام و تفاهم نامه های همکاری امضا شد.پیش قدم بیان کرد: در سه ماه گذشته مبادلات استان گلستان با قزاقستان ۵۲ درصد افزایش داشت.

یادداشت

ویژگی های شورای شهر تاثیر گذار و عضو موثر در یک نگاه

محمدکیقبادی

انتخابات شورای شهر که این روزها پارلمان شهری نیز نامیده می شود، چندی دیگر برگزار می شود و امور و مدیریت یک شهر با همه مصائب و مواهبی که دارد، بر عهده گروهی منتخب قرار می گیرد. کاندیداهای متعددی با سلایق و برنامه های مختلف پا به عرصه گذاشته اند و از هر فرصتی برای اعلام و رونمایی از برنامه های خود استفاده می نمایند. اگر موشکافانه به مسایل شهری بیندیشیم سوالات متفاوتی پیش می آید.اعضای شورای شهر باید از جنبه های مختلف مدیریتی، روانشناختی، جامعه شناسی و موارد دیگر چه برتری نسبت به مردم عادی داشته باشند و یا کاملتر بگوییم عضو موثر و شورای تاثیر گذار چه کارکرد و ویژگی دارد؟

۱- شورای شهر به مثابه پارلمان شهریست و وقتی این اسم خاص به زبان می آید سیاست گزاری، تالیف و تصویب قوانین، تداعی می شود. سیاستگزاری یا با کمی ارفاق برنامه ریزی در شورای شهر به ما این را می گوید که باید با استفاده از اطلاعات موجود، بررسی نقاط ضعف و قدرت، فرصت ها و آسیب ها، نیاز سنجی و آینده پژوهی، استفاده از تجارب و تظر صاحبنظران، افقی برای توسعه شهر ترسیم والبته راه های دستیابی و رسیدن به آن را طبق واقعیت ها پیش بینی کرد. در چشم انداز و برنامه مطلوب برنامه های دهان پر کن، تقلیدی و به اصطلاح فضایی در جهت مشغول سازی افکار عمومی، جایی ندارد.

۲- اگر وظایف شوراهای شهر را مطالعه کنیم متوجه خواهیم شد که شورای شهر فقط وظایف مربوط به امور شهرداری بر عهده ندارد بلکه می تواند در بسیاری از امور مربوط به شهر تاثیر گذار باشد. لازم است اعضای شورای شهر با تمام ظرفیت های قانونی موجود آشنا و به نحو مطلوب از آن استفاده نمایند. ذکر این نکته ضروریست که شورای شهر تنها محلی برای امور روزمره، کمک های بلاعوض، مهر تایید و معرفی کردن و این طور موارد نیست. بررسی مشکلات مردم بسیار امری مهم و از وظایف انسانی و عرفی است اما هیچ یک از اعضا حق ندارند وقت خود را فقط صرف این موارد کنند.

۳- انتخاب یک شهردار خوب و با ثبات، می تواند عاملی مهم برای سنجش توان شورای شهر باشد. ویژگی های شهردار مطلوب با توجه به شرایط و مشخصات آن شهر بر می گردد. نقش شوراانتخاب مناسب،حسابرسی،نظارت قانونی و دقیق بر عملکرد شهردار و البته عدم فشار بر وی جهت انجام امور شخصی یا سفارش ها است. اگر بررسی کنیم بسیاری از اختلافات میان شهردارها و شوراها به دلیل نامطلوب بودن تقاضاها و بده بستان ها بوده است. وقتی کار به گروکشی و رو کردن تخلفات بین شورا و شهردار و در کل اختلاف ها و درگیری ها برسد، تنها شهر و مردم آن هستند که متضرر می شوند. با مشخصاتی که از شورای تاثیر گذار و مطلوب در بالا گفته شد می توان ویژگی های یک عضو موثر برای شورا را برشمرد:

۱- دارای روحیه کار جمعی و تشکیلاتی: تعالی و اعتماد به نفس بالا یکی از ویژگی مهم برای عضو شوراست. چنین فردی به راحتی می تواند به کار و تصمیم جمعی پایبند باشد. این پایبندی تنها به پذیرش رای جمع نیست که این از بدیهیات است. آن چه مهم است حفظ همگرایی و روحیه همکاری در کنار پایبندی به اصول و عقاید منطقی و شخص می باشد.

۲-مشاوره پذیر: شورای شهر دارای کمیسیون های مختلفی است که هرکدام به نحوی به امور شهر می پردازند. اعضای آن کمیسیون ها باید با منطق توجه به تخصص گرایی، استفاده از صاحب نظران و اهل فن انتخاب شوند. کمسیون های شورای شهر جای افرادی توانمند است که بتوانند به اعضای شورا خوراک فکری و ایده های عملی مناسب داده و برای حل مشکلات شهر راهگشا باشند.

۳- مسوولیت اجتماعی بالا: اعضای شورای شهر به مانند مدیران یک جامعه باید دارای مسوولیت اجتماعی بالا باشند و در واقع بتوانند الگوی سایر افراد و آحاد جامعه باشند. این بدان معناست که آن‌ها باید با عملکرد مثبت، اخلاقی و کارایی و اثربخشی بالا همین روحیه را به محیط تزریق نمایند. عدم برتری منافع شخصی و رفاقتی بر منافع شهر در تصمیم گیری ها و انتخاب ها، حفظ استقلال و عزت نفس در شرایط بحرانی از جمله ویژگی های مهم یک عضو شوراست. عضوی که بنا بر هر دلیلی مهر و امضای خود را در اختیار دیگران قرار می دهد قاعدتا نمی تواند نماینده مناسبی باشد.

٤- تخصص و اطلاعات کافی: به نظر نگارنده اینکه بگوییم یک عضو شورای شهر حتما باید دارای یک تخصص به مانند مهندسی عمران یا شهرسازی باشد، عبارت صحیحی نیست. در یک شورای شهر تلفیقی از تجارت و تخصص های مرتبط لازم است از مهندسان حوزه عمران و شهرسازی و معماری گرفته تا جامعه شناسان و حقوق دانان. موضوع و بحث اینجاست که شخصی که می خواهد عضو شورای شهر شود باید در درجه اول به قوانین و وظایف و نیز به میزان لازم به تخصص ها و امور اجرایی شهر احاطه کافی داشته باشد. همچنین در مورد مشکلات متفاوتی که در شهرش وجود دارد در زمینه های مختلف بتواند با استفاده از مطالعه و تخصص خودش و نیز نظر مشاوران، صاحبنظر بوده و تصمیم صحیح اتخاذ نماید.

مدرس دانشگاه

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر در نظر دارد:

۱ - کتابفروشی ۲ - پارکینگ ۳ -بوفه خود را به پیمانکار واجد شرایط به صورت اجاره واگذار نماید. لذا متقاضیان محترم می توانند در مدت ۱۰ روز کاری از زمان انتشار آگهی جهت شرکت در مزایده و تکمیل فرم مربوط به سایت دانشگاه به آدرس www.iauaz.ac.ir مراجعه و نسبت به دریافت فرم ثبت نام اقدام نمایند. ضمنا دانشگاه در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار بوده و هزینه آگهی نیز به عهده برنده مزایده می باشد.

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر

آگهی‌های ثبتی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۶۰ مترمربع دارای پلاک فرعی ۳/۱۱۴۴۸ _اصلی بخش ۳ ثبت گرگان ملکی آقای مجتبی سارانی فرزند علی جان در ساعت ۱۰/۳۰ صبح روز دوشنبه ۹۶/۲/۱۸ در محل وقوع ملک واقع درگرگان جرجان ۲۴ فرعی ۳ داخل کوچه بعمل خواهد آمد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است می تواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا با ذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه برآن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
محمد اسماعیل پور _ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان _
۱۰ م الف

مفقودی

برگ سبز خودرو ولوو اف ۱۲ مدل ۱۹۹۰ به شماره شاسی ۳۵۸۴۹۴ و شماره موتور R ۱۷۸۸۵۸ و شماره انتظامی ۲۲۵ ع ۵۷ ایران ۱۱ متعلق به شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران به نمایندگی سلاطین نورمحمدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر

ترجمه شعر

سه شعر از جوزف دعبول

مترجم محبوبه افشاری

از کودکی خار جویده ام
پس چه وقت از خونم گل می روید؟
دوست من ای جامه ی نور
هیچ دیده ای
عاشقی در خانه سالمندان
بر صندلی نشسته باشد
در چشمانش رعد و برق و
در روزهای باقیمانده اش باران یک ریز ببارد؟
باورکن صداقت تنها در قصه هاست
و قصه های قدیمی افسانه ای بیش نیست
فانوس در نهر و ماهی در خواب
و شب از صدف بیرون می پرد

* * *

دوست من
زخمی ام
ببخش سنگینی ام را
اگر بر دوش تو انداخته ام
در دلم خانه های بسیار فرو ریخته است
و گرگی تنها
در جست و جوی صورت خویش
رو به آسمان زوزه می کشد.

* * *

در جایی دور نزدیک،
مردمان دچار نفرین می شوند
و چشم ها اشک میریزند
سوریه است وُ
زمینْ گورستان..
و کاهن بر درختی حلق آویز
در جایی دور نزدیک، جنین گوشت خود را می خورد
و زهدان مادر چشمه ی نمک است.

شعر

« ساحل از کناره های زن شروع شد»
تنها که ورق می‌خوری
روی پوست ساحلم
زن می‌شوم
و چند ماسه لای انگشتانم
به شعور می‌رسند
نه غوص می‌خورد نهنگ مانده در یونسم
نه ژکوند می‌زند لبخندم.
از پایین این شهر
به نصف‌النهار انقضا چشم می‌زنم:
تو مثل ماسوی به لامکان من می‌ریزی یا نه؟
تو مثل انعکاس روی دیوار
معطوف به پیراهنی یا نه؟
تو با فرشتگانِ ساحل، تشریح رگ‌هایم را
تو از جنون نرینه روبه‌روی یک تندیس...
تو یا نه؟
*
دوباره حدس می‌زند
مرد نشسته روی سالیانم
جهان
پایش از پندار ما درازتر می‌شود؟

شوکا حسینی

* * *

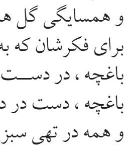

در انتهای دست های من
در آن جا که ریشه ها می روند / می رسند
در تبخیرهایی که از سطحی ترین غشا راه باز می کنند
در بریده بریده ی تصویرهای بازیافت تمام می شوی
و باغچه به همه ی تعبیرات اولیه اش از زمین بر می گردد
باغچه جایی برای هر کسی
جایی برای نگه داشتن
جایی برای پنهانِ پنهان
جایی برای کاشتنِ علف یا چشم
و همسایگی گل ها و ماهی ها
برای فکرشان که به آن ها نیست
باغچه ، در دست ، دست دارد ، دست ، در
باغچه ، دست در دست
و همه در تهی سبزینه
پوست را
و تصور بیهودگی این همه دست
تجسم بیگانگی این همه صورت
و هندسه ی این همه دوست داشتن
در قهوه ای مهربان نروییده داشت
چیزی مجرد در انزوای باغچه می پوسید *
دست هایم در انتهای من
من در انتهای دست هایم
*وام گرفته از فروغ و به یاد او

نسرین فرقانی

سخنی در نسبت شاعری و روشنفکری

رصد سایه در سپهر شعر نو فارسی

هوشیار انصاریفر

برای سیروس فتاحی متخلص به «ساقی»
زین بیابان گذری نیست سواران را لیک
دل ما خوش به فریبی ست غبارا تو بمان (سایه)

از سایه که سخن می شود قبل از هرچیز از نسلی سخن می شود که سایه از آن سر بلند کرده است، و این سخن را که به یک اعتبار در حق هرکسی می توان گفت، در حق سایه و نسل سایه علی الخصوص ادا می توان کرد. نسلی که بی شک نه فقط موسس ادبیات جدید فارسی، که نسل بنیانگذار روشنفکری ایرانی است به طور کلی. متولدان ۱۳۱۰– ۱۲۹۰. فرزندان مشروطه و ما بعد. نسلی که نویسندگان و هنرمندان و روشنفکرانش در حد فاصل دهه ۲۰ تا اواخر ٤٠ تولد تاریخی پیدا کردند با نقطه عطف ۲۸ مرداد ۳۲ در نیمه راه. و چه بسیار بزرگانمان که می گویند نه، می گویند حقیقت عریان تاریخ معاصر ما ایرانیان جز این نیست که نه تنها پنجاه شصت سال پیش در دهه ۲۰ و ،٤٠ که حتی امروز در سال ۸۵ هم، پایمان را از دایره مشروطه خواهی بیرون نگذاشته ایم. کلامی است حکیمانه، اما تاریخ نگاری علی القاعده از آنجا که با امر درزمان(diachronic) سروکار دارد معطوف به تفاوت ها است و لاجرم بیش از آن که نگاشتن پرسش های گاه ازلی باشد قلم انداز کردن پاسخ ها است و بر مبنای همین قبیل تفاوت های مغفول مانده است که حد فاصل ۵۰–۱۳۲۰ را خاستگاه پدیده ای جدید باید تلقی کنیم، پدیده ای که فاقد هر سابقه ای در تاریخ چند هزار ساله ما، دست کم به صورت پیکره ای اجتماعی بوده است. پدیده ای جدید که بدون استقرار نسبی حداقلی از مدنیت مدرن به د شواری مصور بود، چراکه در حقیقت پیش از هرچیز دیگر عبارت بود از پاسخی، یا مجموعه ای از پاسخ ها، به پرسش های برآمده از مدنیت مدرن: آری روشنفکری ایرانی، که قبلاً اگر از خود اسم پر طمطراقی هم داشت («منورالفکری»)، رسم قابل ذکری نداشت، و پیشگامان اغلب منفردش چون دهخدا و عشقی و رفعت و بهار و تقی زاده و هدایت و دیگران، اگرچه از همان سالیان مشروطه خواهی و حتی پیشتر، سری هم در میان سرهای «رجال» وقت خود داشتند، تا پیش از شهریور ۲۰ خود را به صورت نهادهای اثرگذار، و مستقل از تجدد خواهی سیاسی، نتوانسته بود تجسم و تجسد ببخشد.

و روشن است که روشنفکری را برخلاف برخی دیدگاه های رایج اخص از تجدد یا تجدد خواهی مراد می کنیم، ازجمله برخلاف آل احمد که احتمالاً نخستین نظریه پرداز روشنفکری ایرانی و خود البته روشنفکری بود برآمده از همان نسلی که سایه هم از آن سر بلند کرده است. نخستین نسلی که خود را ناگزیر از پاسخ به پرسش های برآمده از شهرنشینی جدید و به طور کلی امر مدرن می دید، اگرچه پاسخ های خود را اغلب به صورتی نقیضه وار در مخالفت سیاسی با همان حکومت مرکزی ارائه می کرد که از قضا دست اندرکار برنامه آمرانه مدرن سازی کشور و خود عامل اصلی توسعه شهرهای مدرن بود.و چطور؟ این خود یکی از هزار و یک حکایت ناخوانده تجدد ایرانی است. و اما از سخن سایه که حرف می شود قبل از هر چیز از غزلش حرف می شود و از شعر به اصطلاح نیمایی اش و در میان آن دسته از شاگردان بلافصل نیما که نظیر کسرایی، زهری و حتی اخوان بیشتر از دیگران به او شبیه اند، استادی و تردستی بی تردید او در غزل به راستی آدمی را به فکر می برد که چیست، که معنای سخن سایه چه می تواند باشد از منظر تاریخ نگاری روشنفکری ایرانی؟

تاریخ نگاران اندک شمار تاریخ روشنفکری ایرانی، در روایاتی که از ماجراهای «سنت و مدرنیت» در ایران می کنند، نسبت سایر شخصیت ها را با این دو قهرمان یا ضد قهرمان از سه حال خارج ندانسته اند: طرفداری از سنت و مخالفت با مدرنیت، طرفداری از مدرنیت و مخالفت با سنت و سرانجام طرفداری از بخشی سنت و مدرنیت و در عین حال مخالفت با بخش هایی از هر دو و البته در این میان کمتر کسی است که مانند تقی زاده جوان یا شیخ فضل الله سالخورده، خود را سنت گرای محض یا مدرنیست ناب بداند... البته همیشه این دیگرانند که پای در سراشیب «افراط و تفریط» دارند. باری این گرایش به ساده سازی کیفیت چندرگه صد سال گذشته و تقلیل آن به تقابلی دوتایی، همان قدر دامنگیر روشنفکران بوده است که دیگران و بلکه درست تر این است که این سخن اساساً سخنی است روشنفکرانه. سینمای ملی، تئاتر ملی، موسیقی ملی و تعداد بی شماری از دیگر آرمان های ملی ما بر همین جزمیت روشنفکرانه بنا شده اند و برای رصد کردن شعر سایه در سپهر شعر نو فارسی راهی نیست لاجرم جز آن که آن را در این سپهر بزرگ تر رصد کنیم. تاریخ حیات سایه در مقام شاعر مانند برخی معاصرانش از قبیل اخوان، مشیری، زهری، کسرایی و شگفتا، معاصر دیر از راه رسیده اش جلالی، تاریخ به نسبه کم فراز و نشیبی بوده است. او برخلاف شاملو، شاهرودی، سپهری، رحمانی، نادرپور، مفتون، ایرانی و حتی دیگر غزلسرای هم نسل خود سیمین، در بخش عمده دوران شاعری به تعریف و تصور اولیه ای که از تجدد ادبی داشته کمابیش وفادار مانده است، شعر نیمایی به معنای عام، در سالیانی که روی کردن به «قالب نیمایی» فی نفسه نشان نا رضایی از وضع موجود بود و زبان جدیدالتاسیس شعر نیما که علی القول خودش زبان دل–افسردگان بود، در عین حال زبان طیفی از روشنفکران تندرو چپگرا هم بود که گاه، قوالب قدیم شعر فارسی را هم بسته و هم ارز هرگونه ظلمت و ارتجاعی تلقی می کردند.

شاعر ما اگرچه «نو پردازی» را به صورت پیشرس با چار پاره سرایی احساساتی آغاز کرده بود، خیلی زود در بیست و سه سالگی با تحریر توبه نامه در مقدمه سراب (۱۳۳۰)، با جوانی به غفلت گذشته، با عشق، با رویا و با سراب وداع می گوید. دیر است گالیا به ره افتاد کاروان و تشرف پیدا می کند تو گویی به کیش مهر مغان، به آئین نیاکان، که به صورتی نقیضه آمیز همان مذهب باطنی گرانه منورالفکری است و مثل بیشتر هم نسلانش ناگهان شروع می کند به نوشتن اینگونه سطرها بلافاصله بعد از سراب:

آری این پنجره بگشای که صبح/ می درخشد پس این پرده تار./می رسد از دل خونین سحر بانگ خروس.
وز رخ آینه ام می فسرد زنگ فسوس:
بوسه مهر که در چشم من افشانده شرار،/خنده روز که با اشک من آمیخته رنگ...

باری این سطرها از شعر بسیار مشهور «شبگیر» خود جامع صناعت های گاه متناقض شعر نو سایه، علی الخصوص در سالیان ابتدای شاعری است. گرایش به زبان معقول و رسمی که بعدها به زبان روان و عراقی وار شعر سال های ٤٠ و ۵۰ او منجرشد از همین شعر ۱۳۳۰ هویدا است و عدم تساوی مصاریع، تکیه بر ارکان عروضی و طرز پایان بندی سطر را هم از شعر نیمایی اخذ می کند، و از شعر شخص نیما پاره ای تمهیدات را، فی المثل در نحو و قافیه پردازی و چه بسیار بزرگانمان که بر همین خصوصیات بسیاری از نسل سایه انگشت می گذارند که همین است برزخ و بحران «سنت و تجدد» که دامنگیر ایران و ایرانی است، و علی الخصوص روشنفکری ایرانی است. یک سخن حکیمانه دیگر، و طبق معمول انتظار حکیمانه تر از آن که ما را سرانجام به گونه ای تاریخ نگاری یکصد سال گذشته مان نائل کند، و فی المثل فرق فارق مهر گرایی مضمر در چنین بیتی را:

نفحات صبح دانی ز چه روی دوست دارم/که به روی دوست ماند که برافکند نقابی

با مهر گرایی دو و بلکه چند رگه (hybrid) مضمر در این سطرها نشان دهد:

در نهفت پرده شب، دختر خورشید/نرم می بافد/دامن رقاصه صبح طلایی را...

و کیست نداند که ما هنوز قدمی برای تبار شناسی همان به اصطلاح «سنت» چند رگه قرن هفتمی شیخ اجل مان هم بر نداشته ایم؟

و باری همین ها ما را می رساند به مهمترین نسبت سایه نوپرداز با شعر نیما که همان مشارکت او است در خوانش «سنتی» و بسیار رایج تمثیل گرایانه از «سمبولیسم نیمایی»، میراث مشترکی که سایه با چند نفر دیگر از هم نسلان اش از قبیل کسرایی و زهری و بخش هایی از اخوان و بخش هایی از شاملو، برای نسل جوان دهه ۵۰ باقی گذاشت. نسل جوانی که با شلیک اولین گلوله ضد حکومتی در آسمان سیاست ایران و با صعود دستوری سرعت توسعه اقتصادی و تاسیس سینما تک رادیوسیتی در خیابان اصلی تهران، دیگر البته نمی توانست صدای نایکدست خود را، از حنجره شعر نیمایی، به گوش ها برساند. آن اولین گلوله پیش از آن که بر هر هدفی، بر آن حنجره شیوا نشست و آن جمعیت شکوهمند را دچار تفرقه کرد. شعر نیمایی را که بی تردید مهمترین جواب روشنفکری ایرانی بود تا سال ۵۷، به جهان جدید و جوانی که او را خطاب کرده بود. سوای «غول»هایی مثل سایه، از منظری کلی چشم انداز شعر نو فارسی را در دهه ،۵۰ شعر بدنه، که برخی محققان از آن تحت عنوان شعر «چریکی» (؟) یاد کرده اند، به علاوه جریان های اقلیت باقی مانده از دهه چهل نظیر موج نو و شعر دیگر و جریان های جدیدتری از قبیل شعر ناب، و شاعران منفردی نظیر براهنی و سپانلو و... ترسیم می کنند. در حالی که این جریان های اقلیت برای تحقق جنبه های آوانگاردتر و تجربی تر شعر نیمایی تاسرحد مخالفت با شعر نیمایی جدوجهد می کردند، شاعران بدنه و جریان اصلی شعر فارسی آن سال ها، اعم از نوخاستگان و سالخوردگان، دل به آن روی دیگر شعر نیمایی بستند و چنان که دانی کار آن را یکسره کردند. آنها به نجات شعر از سرمایه داری و زمین داری و سلطنت، امپریالیسم و استبداد و بی عدالتی، از یزید و فرعون و از هرچه پلیدی دیگر، کمر بسته بودند، و نام دیگر این همه البته «فرمالیسم» بود. و به راستی برای آن شاعران جوان خشمگین، با سبیل های چخماقی با موهای بلند با عینک های سیاهشان شبیه فرامرز قریبیان فیلم گوزن ها، فرمالیسم، اجرا، سطر بندی، زبان و لحن و آهنگ... چه کاربردی داشت؟

«فرمالیسم» اگر خود عین «سوء نیت» سارتری به شمار نمی آمد، در جهانی که در او دیوید راکفلر و یزید بن معاویه هل من مزید می طلبیدند، دست کم نوعی بلاهت و بی رگی به حساب می آمد. این بود که در دفتر شعر نیما یوشیج که به راستی موسس شعر نو فارسی است با تمام تناقضاتش، شعرهایی مانند ماخ اولا و ققنوس و همه شب ناخوانده ماند تا شعرهایی از قبیل آی آدم ها در سرسرای شعر معاصر طنین انداز و مستولی شود. و همین بود که بار دیگر اسم سایه را بر سر زبان ها می انداخت و بهتر بگوییم، بر سر زبان ها نگه می داشت.

در همین سال ها غزل او هم که البته پیشاپیش خریدار داشت و از جمله به واسطه برنامه بسیار مهم و پر مخاطب گل ها مورد اقبال خاص و عام بود، به گل سرسبد هنرجویان و برآمدگان مرکز حفظ و اشاعه، و بعدها چاوش، بدل شد. نسلی از نوازندگان جوان روشنفکری که نوع خاص «سنت گرایی» آنها در کنار گرایش های تند سیاسی شان، ایشان را در شمار مهمترین جنبش های فرهنگی دهه انقلاب اسلامی قرار می دهد. این غزل به تدریج با از دست دادن مایه های مضمونی رمانتیک اولیه خود و با تکیه بر مهارت های اجرایی غزل کلاسیک فارسی، با درونی کردن ویژگی های بیانی شهریار، حافظ و بعدها مولوی، سایه را صاحب صدایی کرد که در گوش آن نسل و دو سه نسل بعد، همان صدای هویت از دست رفته موعود ایرانیان بود، خویشتن گمشده ای که باز جستن اش دغدغه مشترک «روشنفکران» و «مردم» در آن سالیان بود. و غزل های سیاسی آن سال های سایه به یکی از صداهای مهم آن انقلاب مردمی و یکی از مهمترین مشارکت های روشنفکران در جریان آن بدل شده بود.

چون شب به سایه های پریشان گریختی/چون آفتاب از همه سو جلوه گر بیا/در خاک و خون تپیدن این پهلوان ببین/سیمرغ را خبرکن و چون زال زر بیا

باری، همان نسبتی که میان موج نو و شعر دیگر با شعر شاعری مثل ایرانی برقرار بود، میان شعر نو بدنه دهه پنجاه با شعر شاعری مثل سایه برقرار بود، اعم از این که آن را «متعهد»، «چریکی» یا هر چیز دیگر بخوانیم. شاعران جوان تعهد به مبارزه با حکومت پهلوی، و از لحاظ جمال شناختی، گونه ای تمثیل گرایی کاربردی را از شعر سایه اقتباس کردند، بدون طی طریقی طولانی، چرا که «شب» پر دلالت و پر ابهام نیما را سایه خود سال ها پیشتر به حکومت پهلوی تقلیل داده بود. در این میان زوائد و اضافات را هم به دور ریختند، فکر زبان و بیان و سبک و سیاق را، هر چیزی را که نشانی از فرمالیسم منحط در خود داشت، و گویا به زباله دان تاریخ، در سال هایی که استاد خود در وصف آن مسلک تناقض آمیز داعیانه– روشنفکرانه چنین نوشت، و البته با زبانی به مراتب «شفاف»تر و «بی پیرایه»تر:

از می، از گل، از صبح/از آیینه، از پرواز،/از سیمرغ، از خورشید،/می گفتیم./از روشنی، از خوبی،/از دانایی، از عشق،/از ایمان، از امید،/می گفتیم.

و باری به این ترتیب اگر هم به تاسی از بزرگان حیات یکصد سال گذشته ایرانی را میدان نبرد این دو نیروی به ظاهر رقیب بشماریم، از پافشاری بر این نکته نمی توانیم خودداری کنیم که حاصل جمع آمدن سنت و مدرنیت اگر نه به چیزی ثالث، به چیزی یکسره دیگر منجر شود، به هیچ چیز منجر نمی شود الا عقب نشینی تدریجی یکی به نفع دیگری، عقب نشینی بیان تصویری در برابر بیان خطابی، سمبلیسم مدرن در برابر تمثیل سنتی، و شعر نیمایی در برابر غزل. گمان نمی کنم کسی پیدا شود که شعر سایه را به اعتبار جمال شناسی محافظه کارانه یا شعارهای رادیکال اش، یکسره سنتی یا یکسره مدرن بداند و اگر کسی پیدا شود که شعر او را شعر حاصل جمع التقاطی سنت و مدرنیت بخواند، به راستی که دچار همان اشتباهی است که سایه و غالب شاعران هم نسل او بودند: تفکیک فن مدرن از فکر مدرن، تفکیک صورت از محتوا. و شعر سایه در فراسوی نیک و بدش شعر چنین تفکیکی است.

افسانه ملل

تطبیق اساطیر شاهنامه فردوسی با اسطوره دده قورقود آذربایجان و پلنگینه پوش گرجستان

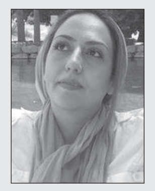

لیلا درخشش ـ درابتدای کارآنچه مرامصمم کرد تابراین سه اثر ژرف تَر بیاندیشم،اشتراک فرهنگی سرزمینهای ایران،گرجستان وآذربایجان بود.همسویی اسطوره ها امری تازه نیست اما پرسش اصلی این بودکه کدام اثربردیگری پیشی داردوتاچه حدبردیگری تأثیر گذاشته است.ازاینرو برآن شدم تابراساس نگرش اسطوره ای ،هرسه اثر رامورد بررسی قراردهم.ابتدا جهان اساطیر شاهنامه ی فردوسی بسیار پیچیده تَر ازدواثردیگربرمن نمایان شد.چراکه تفاوت بیانی بین شاهنامه ی فردوسی ومتون دیگرازجمله دینکرد،گاتها،که مفاهیمی چون آفرینش ،انسان اول وسایرنمادهاراتوضیح می داد،باعث شد تا به قسمت اساطیری شاهنامه بیشتربیاندیشم.آنچه درشاهنامه ی فردوسی می خوانیم به نوعی باخردهمراه شده وجنبه های اسطوره ای معقول تَر جلوه می کند.این درحالی ست که اسطوره ده ده قورقود دراین موردبکرترازشاهنامه ی فردوسی باقی مانده است.تصویرکاراکترهای شاهنامه ی فردوسی به هیات انسان شبیه شده ودربرخی مواردچون کشته شدن سیامک به دست دیوان یاتسخیر دیوان توسط طهمورث،بافضایی اهورایی واهریمنی مواجه می شویم ،امادراسطوره ده ده قورقودهمچنان باتصویر انسان وحیوان به صورت رب النوع مواجهیم ،امابررسی پلنگینه پوش نگارنده را برآن داشت تابیشتردرپی فرهنگ هندو رد پای این فرهنگ درمنظومه ی پلنگینه پوش باشد.چراکه چهره ی اصلی منظومه(تاریل)هندو معرفی شده است.درفرهنگ هندوستان ، جهان بارها وبارها آفریده وویران شده است تنها برهمای آفریننده می داند که این واقعه چندبار روی داده است. هریک ازاین چرخه های آفرینش ازچهار دوران تشکیل می شود که هرکدام ازآنها بایک عنصراساسی مشخص می شود.نخست دوران طلایی یادوران استو(Estow)یانیکی است. سپس دوران رجس(Redjs)یاانرژی فرا می رسد وبا دوران سوم که آمیزه ای ازاین دوواست دنبال می شود.سرانجام دوران چهارم یاتمس (Tams)این درحالی است که درمنظومه پلنگینه پوش ردپای هیچ یک ازاین تقسیم بندیهای اسطوره ای دیده نمی شود وشاعرفقط به ذکرچندنام بسنده می کند.

این تقسیم بندی یادآور تقسیم بندی مشترک بین اساطیرایرانی واسطوره ده ده قورقود است دراساطیرایرانی جهان به چهارفصل سه هزارساله تقسیم می شود.چناچه درفصل ده ده قورقود نیز اشاره کردیم.این اسطوره نیز توصیف گاه چهارم آفرینش است واحتمالا گاه های قبلی یادرطول تاریخ ازبین رفته یاهنوزکشف نشده است. به هر روی بین دواثر شاهنامه وده ده قورقود نکات مشابه زیادی موجود است.ازمیان این اساطیرمشابه می توان به نقش آفتاب ونحوه ی رهایی آن اشاره کرد.باتوجه به اینکه آفتاب،اصلی ترین مقوله ی میترائیسم است واساطیرمربوطه بعضا تغییراتی راپذیراشده اندوبعضا بخشی ازمشخصه های قدیمی راحفظ کرده انداین تغییرات رابررسی می کنیم. دریشت دهم اوستا ،بازصحبت ازمهرمی شودمهر دارنده ی دشت های فراخ است.درقلل رفیع زندگی می کند،جنگجویی است نیرومندودلیر،پیروزگری است که سلاحی کارسازدردست دارد(مهرباهوش ترین موجودات است،فاتح است وافتخار همراه اوست،مارتن ورمازرن،۱۳۷۳،ص۱۸)

میترامهم ترین هماورد ورقیب شرّاست ،در اساطیر ده ده قُورقود،قانتورالی صاحب خورشیداست وبعدازرهایش اوراحمل وبااوکُشتی می گیرد ،بعدازرساندن به محل نصب،بنابراین قانتورالی نقش مهمی درمورد خورشید ایفاکرده ودر هیات رب النوعی دشت فراخ،قلل رفیع،لازمه وجود اوست .ولی یک انسان باهیات میترا،شاید دشتهای فراخ،برایش نیاز درجه چندم باشد.مخصوصااگروظایف روحانی وشهریاری راکه درمهریشت به مهر نسبت داده شده است،(ازاین یشت برداریم مهر،ایزدی است. به طورعمده مربوط به امربرکت بخشیدن...دارای چراگاههای وسیع است...اوگله ورمه می بخشد،فرزند می بخشدگاوهارابه یاری می خوانند (بند۶۵،بهار،۱۶۷،۱۳۷۶) بااین أوصاف اگرشاهنامه ی فردوسی رابیشترمورد مکاشفه قراردهیم تفکرمیترائیسم دراین اثرنیز بارها وبارها به چشم می خورد امااین تفکر درشاهنامه به کاراکترها نسبت داده می شود.حال آنکه دراسطوره ی ده ده قورقود نمادهای خودکاراکترهای مجموعه اند. امادرپلنگینه پوش شوتاروستاولی عناصرمهرپرستی به ندرت به چشم می خوردوفقط به عنوان تشبیه قهرمانان چه زن چه مرد به آفتاب دیده می شود.درکتاب ده ده قورقود وحوادث گاه چهار،نحوه بوجود آمدن انسان اول گاه چهارم رادیدیم که اززمین مادررویش تخم صیانت شده درسایه درخت مقدس،انسان رشد می کندوتوسط انواع پرورش می یابد.این درحالی است که درشاهنامه ی فردوسی انسان اول کیومرث همان اولین انسان میرانیز باریختن گشناب برزمین حیات دیگر آدمیان رافراهم می کند...درکتاب بندهشن وکتاب یادگارجاماسپیک که شامل پیشگویی های پایان جهان اَست.آمده که(اهورامزاد خدای بزرگ نیکی قبل ازآفریدن کیومرث نخستین شر،گاوی آفرید.لشکریان بدی چون خواستندآفرینش واازمیان ببرند.برگاودست یافتند.امااازمغزگاوانواع گوناگون پدیدآمد.(مارتن ورمارزن،۱۳۷۳،۸۳)

این گاوکه باتغییراتی درشاهنامه ی فردوسی روح پادشاهان کیانی رادوباره احیا می کند وبا پرورش فریدون به حیات ضحاک پایان می دهددراسطوره ده ده قورقودجایگاه بکرتری می یابد.گاو یکدادمنشاخیربوده است.گاوآفرینش اول،ومادر بزرگ تمام هستی،ولی گاوی که بدست میترا،یارب النوع گاوها آپیس ،اوروز درگاه چهارم کشته می شود گاواهریمنی است. فدیه گاو ازبابت تکرار مراسم آیینی مهم است.می شود زایش رابعداز رهایش آفتاب درپناه تابش آفتاب تفسیرکرد. درشاهنامه فردوسی اهریمنان مواردی باآفرینش اهوراییان حیات می یابند وتمام مدت غلبه ی یکی بردیگری ماجرای اساطیر ایرانی رارقم می زند.دراسطوره ده ده قورقود نیز تالحظه رهایی ایل اغوز شاهدنبرد اهوراییان واهریمنان هستیم. دراساطیر ایرانی غارمهری نمادچرخ گردون است.صخره هم کنایه ازآسمان است که برزمین نورمی پاشد...به موجب فرضیه ای میترا ازآمیزش زمین وآهورامزدابوجود آمده است هرچنداین نظر قابل قبول نیست،(میترا سنگ زاداست وازصخره ای تولد می یابد...مارتن ورمازرون ۱۳۷۳،۹٤)امانکته مهم وجود صخره وتپه است که درمنظومه ی پلنگینه پوش نیز به نوعی دیده می شوداما شاعر گرجی که چندان ازنشانه های نمادین به کارگرفته آگاهی نداردازاین دونماد راچندان نمی پردازد.درحالی که دراسطوره ی ده ده قورقود دقیقا یادآور معابد میترائیسم می شود آنچه برافسوس نگارنده می افزاید شیوه ی بیان فردوسی است ، حکیم طوس مباحث اساطیری راخردگرایانه توصیف می کند وهمین امرباعث تغییراساطیر شده است هرچنددرمتن شاهنامه نیزتاپایان پادشاهان پیشدادی نشانه های اسطوره ای کم نیست اماتغییر آنهاپرسش برانگیز است. به غیرازآیین میترائیسم که نشانه هایی به اساطیر بخشیده است آیین مانوی نیز قابل توجه است (آیین مانوی بردوبن نوروتاریکی وسه دوره ی کیهانی استوار است. این سه دوره عبارتنداز دوره آغاز(جدایی کامل نور وظلمت)،دوره ی میانه (آمیختگی نوروظلمت)دوره پایانی(جدایی دوباره ی نوروظلمت) (سی ،آر، سی ،آلبر ،زبورمانوی، ۱۲۵)

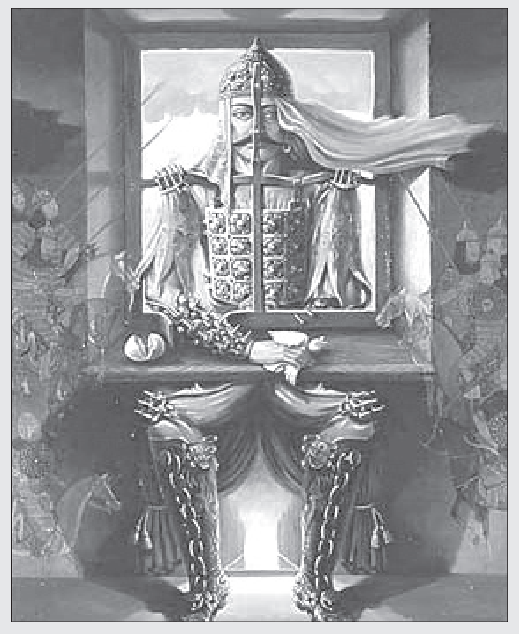

این نوع تفکر درهر دو اثر سترگ شاهنامه وده ده قورقود نشانه هایی ازخود برجای گذاشته است. دوره آغازگاه دوم ودوره ی میانه ،گاه سوم ودوره ی پایانی گاه چهارم است.مانی دودنیای روشنایی ابدی وظلمت ابدی راقبول دارد.او می گفت که درآغاز بهشت روشنی دربالا بود وبه هرسوگسترده بود مگر ازسوی بالا پدربزرگی یازوران براین بهشت روشنی فرمان می راند(دکترمهردادبهار،۱۳۷۳،۸٤)

اگر پادشاهان اساطیری رایک پیکره ی واحد به حساب آورد.چراکه أصل موضوع رویارویی بدی ونیکی است و وظیفه ی تمام چهره ها مقابله بااهریمنان موافق باتفسیرهای کسانی که بیان اساطیر راسرانجام به حوادث طبیعی متحول می سازند.اژی دهاک ،خشکی وبی بارانی است که ابرهای باران زا(گاو فریدون که به دست ضحاک کشته شد)به بند می کشد ودر اثراین حادثه خشکسالی شدیدی درایران زمین پدید می آید(آنگاه فریدون (ایرباران زا)برضحاک پیروز می شود.هاشم رضی،۱۳٤٦،٤٦)

قبل تَر در توضیح چهره های اساطیری آنان رادرحکم چهارعنصراصلی برشمردم حال اگردقیق تَر این اساطیر رامورد بررسی قراردهیم می بینیم امکان اینکه همگی تصویرعناصراربعه باشند دقیق تربه نظر می رسدجدال فریدون باضحاک جدال آبادانی برنابودی است .فریدون روح مجدد حیات است که پس ازمرگ گاوَیکداد وظیفه ی احیای زندگی رابهَ عهده دارد.این تصاویرمشترک دردو اثرشاهنامه وده ده قورقود،در منظومه ی پلنگینه پوش بسیاربه ندرت دیده می شودکه شایدعامل اصلی آن تفاوت سطح منظومه هاباشد درقسمت اساطیری شاهنامه ی فردوسی وده ده قورقودبامجموعه ای ازاساطیرتاثیر پذیرفته ازآیین میترائیسم ،مانوی ،زرتشتی مواجهیم درحالی که درمنظومه ی پلنگینه پوش تمام نمادهاتبدیل به هیات انسانی شده اند وجزچند موردمحدود نکته ای که بیانگرقدمت ادبی اثرباشدبه چشم نمی خورد. در اسطوره ی ده ده قورقود می خوانیم که قانتورالی پس ازرهایی خورشید خشکسالی ونابودی راکنار می زند دقیقا تصویررهایی ازظلمت که فریدون پس ازاسارت ضحاک برایرانیان عرضه می دارد.دربخشی ازآیین مانوی اشاره شده (درنخستین پرده ی کیهان شناخت آفرینش نخست/پدر روشنی به یاری همسرایزدی اش مادرزندگی،ایزدی به نام هرمزدبغ (انسان نخستین)رابه نبردگسیل می دارد...هرمزدبغ تسلیم آنان می گردد...دیوان عناصرروشنایی را می بلعند وتسکین می یابند .هرمزدبغ که درسرزمین نبرد شکست خورده فرو افتاده است اکنون بهوش می آید ازآسمان یاری می جویدمادرفریادش رامی شنود وپدربزرگی را تشویق می کند که آفرینش دوم ایزدان رابرای رهایی فرزند آغاز کند.هرمزدبغ که ازبی هوشی درمی آیدازمغاک بالامی آیدوبه راهنمایی مادرزندگی ومهرایزد به بهشت برمی گردد...یواخیم کلیم کایت،هنرمانوی،۱۳۷۳،٤۷)

هرچندکه نگارنده معتقداست ابوالقاسم اسماعیل پور درترجمه ی هرمزدبغ دچاراشتباه شده ،چراکه بغ همچنان تصویرخدایی یاالهه بودن خودراحفظ کرده است.اسطوره ی ده ده قورقود ازآنجایی که مهجور باقی مانده هنوز مبحث خردگرایی درآن دیده نمی شود در حالی که شاهنامه ی فردوسی دچارتغییرات ودگردیسی های خردگرایانه ی حکیم طوسی شده است. حکیم بیرونی نوشته است:(ایرانیان ومجوس عمرجهان رابنابربروج دوازدگانه ،دوازده هزارسال دانسته اند وزرتشت مؤسس دین ایرانیان،پنداشته که پیدایش جهان تازمان ظهوراوسه هزارسال است...ادامه دارد...